رابطه رشد خودکنترلی و قضاوت اخلاقی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم

حسین حجت پناه[۱]، زهرا امانی[۲]، سیاوش طالع پسند[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۵/۱۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه رشد خودکنترلی بر رشد قضاوت اخلاقی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم آموزشگاه‌های ابتدایی شهرستان سبزوار بود، تعداد نمونه، ۲۵۰ نفر دانش‌آموز (۱۲۴ پسر و ۱۲۶ دختر) ابتدایی بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از دو پرسشنامه: ۱) قضاوت اخلاقی(MJT)، ۲) تمایل کودکان به خودکنترلی و همچنین معدل نیمسال اول دانش آموزان استفاده شد. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه‌وتحلیل شد. تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان نشان داد که : بین رشد قضاوت اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه‌ای مثبت و معنادار بین خودکنترلی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد. آزمون t مستقل نشان داد که میان دانش آموزان دختر و پسر در خودکنترلی تفاوتی معنادار وجود ندارد، ولی به لحاظ قضاوت اخلاقی میان دانش آموزان دختر و پسر این تفاوت معنادار است.

واژه های کلیدی: قضاوت اخلاقی، خودکنترلی، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان

مقدمه

پیشرفت تحصیلی یکی از متغیرهای اصلی آموزش‌وپرورش است و می‌توان از آن به‌عنوان شاخص عمده سنجش کیفیت آموزش‌وپرورش یادکرد. واقعیت مهم آن است که همه پیشرفت‌های شگفت‌انگیز انسان در دنیای امروز زاییده یادگیری است. انسان بیشتر توانایی‌های خود را از طریق یادگیری به دست می‌آورد، از طریق یادگیری رشد فکری پیدا می‌کند و توانایی‌های ذهنی‌اش فعلیت می‌یابد، بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که همه پیشرفت‌های بشر درنتیجه یادگیری به دست می‌آید(بیابان‌گرد، ۱۳۷۲؛ به نقل از نائینی و همکاران، ۱۳۸۶). یکی از عوامل مهم که ممکن است در پیشرفت تحصیلی اثرگذار باشد، عامل خودتنظیمی است(کج باف، ۱۳۸۲).

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، فرهنگی، hse_hojjatpanah@yahoo.com
۲ . کارشناسی الهیات و معارف اسلامی، فرهنگی
۳ . دانشیار دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

زیمرمان(۲۰۰۲) عقیده دارد، دانش‌آموزانی که از راهبردهای خودتنظیمی، نفع می‌برند کسانی هستند که از وجود چنین راهبردهایی آگاه‌اند، توانایی خود را برای رسیدن به اهداف مطلوب یا بخشی از اهداف مشخص‌شده در فعالیت یادگیری، به کار می‌گیرند، در انجام یک تکلیف بر خودشان نظارت می‌کنند، سطح فعلی پیشرفتشان را تفسیر کرده و راهبردهایی را انتخاب می‌کنند که به آنان درگرفتن نتیجه موفق از تکلیف کمک کند.

سلحشور(۱۳۸۲) در پژوهش‌هایش نشان داده است که بین سلامت روان و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد. همچنین او نشان داد که میان سلامت روانی پایین و مشکلات رفتاری مانند افت تحصیلی، رابطه وجود دارد. افت تحصیلی دارای ابعاد مختلف است که آن را می‌توان در سه بعد فرد، خانواده، مدرسه و جامعه خلاصه نمود که اختلال در هرکدام از آن‌ها می‌تواند دانش آموزان را در معرض رفتارهای پرخطر قرار دهد و سلامت روانی آن‌ها را تهدید کند(افشاری، ۱۳۸۵). از بین محققین بسیار که اهمیت بیشتری را به رابطه تعامل‌های خانواده و سلامت روانی اعضایش داده است، دامون است که معتقد است کودکان، موضوعات اخلاقی را در تعامل با انسان‌ها تجربه می‌کنند به‌عنوان‌مثال، مسئولیت‌پذیری، صداقت، عدالت، محبت و اطاعت را دراین‌ارتباط‌ها تجربه می‌کنند. کنش واکنش‌هایی که کودک با والدین، معلمان و بزرگ‌سالان دیگر انجام می‌دهد، موجب می‌شود که او به قوانین و هنجارهای اجتماعی اهمیت بدهد همچنین تعامل‌های مستحکم بزرگ‌سال- کودک که موجب افزایش گفتگوی دوجانبه شود و نظارت غیر تنبیهی بزرگ‌سالان را همراه با ارائه دستورهای درست به دنبال داشته باشد، بهترین اثر را بر روی رفتار و قضاوت اخلاقی کودکان می‌گذارد. با توجه به این اصل، ضرورت توجه به ارزش‌های اخلاقی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ بحران‌های زیست‌محیطی، افزایش بزهکاری، تبهکاری، جنگ‌ها، فقر و بی‌عدالتی و مانند این‌ها شرایط را به‌گونه‌ای رقم‌زده‌اند که در عصر حاضر، بیش از هر چیز دیگری به اخلاق و اعتلای آن نیازمند است. این سخن رابین بارو مؤید این مطلب است: «جهان ما درنهایت خجالت و شرمساری فاقد اخلاق است و ما هرروز شاهد زنده بی‌اخلاقی هستیم» (بارو، ۱۳۹۱، ص ۲۰۶). بنابراین توجه به رشد و قضاوت اخلاقی مردم، از جنبه‌های نظری و عملی در متون فلاسفه، جامعه شناسان و روان شناسان مورد تأکید قرارگرفته است(پاسینی، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، مطالعه تجارب ملل دیگر در عرصه تربیت اخلاقی یک از نیازهای پژوهشی کشور ماست که به آن کمتر توجه شده است. نظام‌های تربیتی رسمی ملل دیگر، اگر نگوییم بیشتر از ما، دست‌کم به‌اندازه فرهنگ ما به مقوله اخلاق توجه دارند و این دغدغه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

در نظام تربیت رسمی آن‌ها نمود داشته است(حسنی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). پرپل و پیان معتقدند: " مدارس ما نمی‌توانند از پرداختن به زندگی اخلاقی دانش آموزان پرهیز کنند. برای این مدارس غیرقابل‌تصور است که بچه‌ها را شش یا هفت ساعت در روز، صد و هشتاد روز در سال و از زمان شش‌سالگی تا آنجا که هجده‌ساله می‌شوند بپذیرند، اما هیچ تأثیری در شیوه تفکر او درباره مسائل اخلاقی و نیز شیوه رفتار او ایجاد نکنند(به نقل از جان الیاس، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱). چنانچه وظیفه مدرسه را تربیت نسل نوخاسته بدانیم و همچنین اگر جامعیت اصطلاح تربیت را بپذیریم که فراتر از توجه به توسعه علمی شخصیت کودکان است، کارکرد نهاد مدرسه فراتر از توزیع دانش خواهد بود. علاوه بر این، با توجه به این‌که در عصر فناوری اطلاعات به سر می‌بریم، به سبب دسترس همگانی و همه‌جایی و آسان به اطلاعات، کارکرد مدرسه در توزیع دانش کم‌رنگ شده است و کارکردهایی دیگر مانند آمادگی برای زندگی، به‌ویژه در دوره‌های تربیت عمومی، موردعنایت جدی است. بر این اساس می‌توان گفت که مدرسه نمی‌تواند و نباید در برابر موضوع اخلاق ساکت باشد(اهیر، ۱۳۸۱، ص ۲۶۴).

داروین ازجمله کسانی است که تکامل بیولوژیکی و مرحله‌به‌مرحله اخلاق را وارد مباحث روان‌شناسی کرد و سنگ بنای اخلاق را در انسان همدردی دانست. او همچنین غریزه اجتماعی را در حیوانات غیرانسانی پیدا کرد. درنتیجه استنباط کرد که همدردی از اخلاق درون‌گروهی، رشد و نمو می‌یابد. بنابراین به نظر وی، اخلاق و تحول اخلاقی هر فرد را گروهی تعیین می‌کند که فرد در آن تکامل‌یافته است(دیسیولی و کورزبان[1]، ۲۰۰۹).

اخلاقیات را می‌توان به‌عنوان معیارهای رفتاری قابل‌قبول جامعه تعریف نمود که هدف آن‌ها جلوگیری از بروز رفتارهایی است که به نفع یک فرد و به ضرر دیگران است(هارون، اسماعیل و عبدالرزاق، ۲۰۱۱). رشد اخلاقی دارای بعد درون فردی(ارزش‌های بنیادی و احساس خود بودن شخص) و یک بعد میان فردی(وظایف مردم در تعاملات خود با دیگران) است(سانتراک، ۲۰۰۳، ترجمه فیروز بخت، ۱۳۸۵).کلبرگ، نیز رشد اخلاقی را در ۶ مرحله و سه سطح ترسیم بندی کرده است. سطوح پیش عرفی[2]، عرفی[3] و پس عرفی[4] که هرکدام دارای دو مرحله‌اند. در سطوح مختلف، ملاک قضاوت پاداش و تنبیه، قراردادهای اجتماعی و معیارهای انسانی هستند. کلبرگ برای سنجش رشد اخلاقی از داستان هاینز استفاده می‌کرد و بر اساس چگونگی استدلال‌های افراد برای

1. Descioli.P&Kurzban.R
2. Pre conventional
3. Conventional
4. Post-conventional

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

موقعیت‌های تعارض‌آمیز داستان مراحل رشد اخلاقی آن‌ها را معین می‌کرد(پاسینی، ۲۰۱۰). او رشد اخلاقی را با مفهوم عدالت تبیین می‌کند و معتقد است که قضاوت‌های اخلاقی کودکان و نوجوانان متضمن برداشت‌های متفاوتی از عدالت است. علاوه بر این درک کودک و نوجوان از عدالت در سطوح مختلف، متفاوت است و بالاترین سطح آن دست یافتن به حقوق مساوی و جهانی برای همه مردم و تحقق ارزش‌های عالی انسانی در زندگی افراد است(کریمی، ۱۳۸۵). خانواده، مدرسه و اجتماع، قواعد اخلاقی را که بر اساس اصول عدالت و در نظر گرفتن حقوق دیگران قرار دارد، آموزش می‌دهند. اما این‌که کودکان چطور میل درونی برای پیروی از قواعد اخلاقی را پیدا می‌کنند، در طی مراحل رشد متفاوت است(دوریس و استیج، ۲۰۰۵). فرض اصلی کلبرگ این است که نوع استدلال فرد در برخورد با یک مسئله اخلاقی، که ناشی از سطح رشد تفکر اوست، نقش اساسی در عملکرد وی ایفا می‌کند. او معتقد است که قضاوت و رفتار اخلاقی به‌جای آن‌که تابع مقتضیات زندگی و اجتماعی و فرهنگی باشد، ناشی از مرحله رشد شناختی است که در آن قرار دارد(غیاثی زاده، ۱۳۹۰). اما آیا قضاوت و استدلال اخلاقی وابسته به رشد شناختی است یا عوامل دیگری متصدی‌اند؟ ولفرام(۲۰۰۵) در این مورد بیان می‌کند که استدلال اخلاقی صرفاً نتیجه استدلال منطقی نیست، بلکه عوامل احساسی هیجانی و شخصیتی نیز در آن تأثیر دارد. جهانی(۱۳۸۶) معتقد است که می‌توان از طریق رشد مهارت‌های پرورشی به پرورش منش‌های اخلاقی دانش آموزان کمک کرد. با توجه به مبانی ارزش شناختی و اهم مصادیق ارزش‌های حاکم بر برنامه درسی ملی نظام آموزش‌وپرورش ایران(صادق زاده و همکاران، ۱۳۹۰ و شورای عالی آموزش‌وپرورش، ۱۳۹۱) اهداف تفصیلی حوزه اخلاق در دوره ابتدایی نیز به چهار حیطه ارتباط با خود، خدا، خلق خدا و خلقت تقسیم می‌شوند. در حیطه ارتباط با خویشتن(روح و جسم) دانش‌آموز مهارت در نه گفتن به کارهای زشت(خودکنترلی) را می‌آموزد. خودکنترلی، به معنی توانایی غلبه بر افکار، احساسات و الگوهای رفتاری است که منجر به انطباق و تسهیل موفقیت در عرصه‌های مختلف زندگی می‌شود(گایوی و همکاران، ۲۰۰۶: ۵۴) و مفهوم مهمی برای پیش‌بینی رفتارهای ضداجتماعی است.

کارشناسان امروزی به این نتیجه رسیده‌اند که فقط با قوانین و مقررات نمی‌توان سازمان‌ها را اداره کرد بلکه در کنار آن‌ها به ابزار دیگری نیاز دارند که اخلاق نام دارد و به اعتقاد آنان برای اداره بهتر سازمان‌ها ضرورت دارد که اخلاق در کنار قانون قرار بگیرد و خودکنترلی جایگزین دیگر کنترلی گردد. عامل تسهیل رشد و وجدان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

اخلاقی، خودکنترلی است که دارای مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری هست(الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰). در عصر امروز با توجه به پیچیدگی جوامع و بروز نابهنجاری‌های مختلف روانی و اجتماعی در بین اقشار مختلف جامعه، لزوم پرداختن به مسائل و روابط اجتماعی در جهت دست‌یابی به نگرش‌های نوین و بالطبع بهبود هرچه بهتر این مسائل اجتماعی احساس می‌شود و درنهایت هدف سازگاری با دیگران و رعایت حقوق مشروع اطرافیان و کمک به افراد جامعه در جهت دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی در مسیر رشد و کمال شخصیت آدمی است(مایلز و همکاران[1]، ۲۰۱۵). خودکنترلی هیجانی، راه‌اندازی، افزایش دادن، حفظ کردن و یا کاهش دادن هیجانات مثبت و منفی خود در پاسخ و متناسب با رخدادهای محیطی است(چمبرز، گالن و آلن، ۲۰۰۹، مایلز و همکاران، ۲۰۱۴).

خودمهارگری و خودکنترلی به‌عنوان توانایی پیروی از درخواست معقول،تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای یک خواسته در چارچوب پذیرفته‌شده‌ی اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فردی دیگر تعریف‌شده است. اساس خودمهارگری، توانایی فرد در کنترل ارادی فرآیندهای درونی و بروندادهای رفتاری است. همچنین خودمهارگری دارای مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری می‌باشد و سبب تسهیل رشد اخلاق و وجدان اخلاقی می‌شود(قدیری، ۱۳۸۹).

عوامل مؤثر بر خودکنترلی کودک بر اساس آموزه‌های اسلام و روان‌شناسی، عوامل مختلفی در ایجاد مهارت خودکنترلی کودک نقش دارند.این عوامل عبارت‌اند از:مراقبت‌های پیش از تولد(حالات معنوی، تغذیه‌ی سالم و حلال، رعایت بهداشت و...)، تفاوت‌های فردی، وجدان اخلاقی،وراثت(محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶) رشد شناختی، الگوهای زنده(سبک تربیتی والدین، خویشاوندان، مربیان و...)، الگوهای نمادین(کارتون و فیلم،شخصیت‌های داستان و...)، دین و مذهب، دین‌داری و ارزش‌های والدینی، عادات و رسوم اجتماعی، (پوپ آلیس و همکاران، ۱۳۸۶)عادت و تمرین، ظرفیت همدلی، تفاوت مزاجی کودکان،کیفیت دل‌بستگی مادر کودک، هوش‌بهر کودک و تجارب موفق یا شکست گذشته، سبک اسناد و بیرونی یا درونی بودن مهار کنترل(جان بزرگی، ۱۳۸۷).

خودکنترلی به‌عنوان عاملی مؤثر در ارتکاب جرم و رفتارهای انحرافی شناسایی‌شده است. جی یر و بامیستر(۲۰۰۵: ۴۱۲) معتقدند که سازمان‌های مذهبی به‌عنوان یک منبع حمایت‌کننده بیرونی می‌توانند در

1. Miles et.al.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

افزایش خودکنترلی افراد بسیار مفید باشند. در یک موقعیت، توانایی کنترل فرد اگر در دوره ابتدایی زندگی‌اش شکل بگیرد، در دوران بعدی ثابت می‌ماند(ریسیگ و همکاران، ۲۰۱۲). افراد دارای خودکنترلی بالا، توانایی بیشتری در محافظت خودشان از رفتارهای منفی دارند، از رفتارهای منحرف‌اند دوری می‌کنند و به رفتارهای اجتماعی پاسخ مناسب می‌دهند(چوی و چان، ۲۰۱۳).

نظریه خودکنترلی بیان می‌کند که فقدان خودکنترلی نه شرط کافی و نه شرط لازم برای بروز جرم است، چراکه ویژگی‌های دیگر فرد و یا موقعیت، ممکن است با احتمال بروز رفتار انحراف آمیز در فرد مقابله کند. جی مایر و بایستر، مدعی هستند که مذهب از طریق سه عنصر اصلی بر خودکنترلی تأثیر می‌گذارد: ۱. درونی کردن رفتارهای بهنجار، ۲. تقویت خود نظارتی[1] و ۳. تشویق افراد به کنترل یا تغییر رفتارهایشان. آن‌ها بیان می‌کنند که مذهب ممکن است خودکنترلی را به‌وسیله رعایت معیارهای اخلاقی خاص، پرورش خود انتقادی و ساختن این حس که اعمال خوب و بد مشاهده و ثبت می‌گردد، تقویت کند(دسموند و همکاران، ۲۰۱۳).

در ارتباط خودکنترلی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می‌توان گفت وقتی دانش آموزان فعالیت‌های خودشان را ثبت می‌کنند، در یک موقعیت بهتری برای ارزیابی اهدافشان قرار می‌گیرند، احتمالاً هدف‌های جدید را انتخاب کرده و رفتارشان را تغییر می‌دهند و این راهبرد به‌نوعی دانش آموزان را از حالت منفعل بودن خارج کرده و زمینه‌های لازم برای تلاش و فعالیت جهت بهبود پیشرفت را در آن‌ها فراهم می‌کند(جوزف و همکاران، ۲۰۱۱). آموزش روش‌های خودکنترلی به دانش آموزان ابتدایی از طریق مشاهده فعالیت‌های خود، ارزیابی، ثبت و تقویت پاسخ‌های خود صورت می‌گیرد که این عوامل باعث کاهش وابستگی دانش‌آموز به معلم، شکل‌گیری مهارت‌های نظارتی ارزشمند و پیشرفت تحصیلی قابل‌ملاحظه‌ای می‌شود(ماسون، ۲۰۱۳).

بنابراین پژوهش حاضر قصد دارد نقش خودکنترلی و قضاوت اخلاقی را بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم در شهرستان سبزوار را تعیین کند. در همین راستا دو فرضیه و یک سؤال بررسی شد: ۱- بین خودکنترلی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد؛ ۲- بین قضاوت اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد و ۳- آیا میان دانش آموزان دختر و پسر در رشد خودکنترلی و رشد قضاوت اخلاقی تفاوت وجود دارد؟

1. Fosters self- monitoring

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

روش پژوهش

طرح مورد استفاده در این پژوهش، همبستگی و از نوع طرح‌های توصیفی هست.

جامعه آماری و روش تحقیق

جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی دوره دوم مدارس دولتی شهرستان سبزوار است. از این میان، ۲۵۰ نفر، با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری

ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه‌های قضاوت اخلاقی(MJT) دورگانداسینها و میراوارما(۱۹۹۸) و پرسشنامه تمایل کودکان به خودکنترلی گوئرا، کراوشاو و هاوسمن(۱۹۹۳) بوده که برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته در پرسشنامه خودکنترلی در طیف لیکرت به‌صورت چهارگزینه‌ای از کاملاً درست تا کاملاً غلط بوده ولی در پرسشنامه قضاوت اخلاقی به‌صورت ۶ بخش که نمره هر فرد در پرسشنامه خودکنترلی از مجموع نمرات تقسیم‌بر تعداد کل(۱۶)، و در قضاوت اخلاقی مجموع نمرات در ۶ بخش و تقسیم آن به تعداد کل(۵۰) حاصل‌شده است.

پایایی و اعتبار ابزار اندازه‌گیری

به‌منظور پایایی و اعتبار مقیاس تمایل به خودکنترلی، این پرسشنامه بر روی نمونه‌ای متشکل از دانش آموزان آفریقایی، آمریکایی و اسپانیایی اجرا شد که میزان همسانی درونی این آزمون ۰/۶۹ و پایایی آن در فاصله یک سال ۰/۴۹ کسب شد. همچنین پایایی پرسشنامه قضاوت اخلاقی با ضریب کرونباخ توسط مرعشی و همکاران (۱۳۸۹)، ۰/۶۱ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ خودکنترلی در این پژوهش ۰/۴۸ به دست آمد. پایایی پرسشنامه قضاوت اخلاقی نیز در این پرسشنامه با ضریب آلفای ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش قضاوت اخلاقی و خودکنترلی متغیر پیش‌بین بود و پیشرفت تحصیلی متغیر ملاک محسوب شد. پژوهش با استفاده از آمار توصیفی، تحلیل رگرسیون چندگانه(همزمان) و آزمون t بررسی شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳
خودکنترلی	۲/۵	۰/۲۶	۱	۰/۰۷۹	۰/۱۹۲**
قضاوت اخلاقی	۰/۷۰	۰/۱۴	۰/۰۷۹	۱	۰/۷۱۹**
پیشرفت تحصیلی	۱۸/۱۰	۱/۲۰	۰/۱۹۲**	۰/۷۱۹**	۱

** P< ۰/۰۱

برای بررسی همبستگی در سه فرضیه اول(۱- بین خودکنترلی و قضاوت اخلاقی رابطه وجود دارد؛ ۲- بین خودکنترلی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد؛ ۳ بین قضاوت اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد) از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان استفاده گردید که همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده‌شده است، بین متغیر قضاوت اخلاقی و پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد(P< ۰/۰۱، r=۰/۷۱۹). همچنین بین رشد خودکنترلی و پیشرفت تحصیلی نیز ارتباط مثبت و معناداری موجود است(P< ۰/۰۱، r= ۰/۱۹۲). و درنهایت بین خودکنترلی و قضاوت اخلاقی در این پژوهش رابطه‌ای معنادار وجود نداشت.

مقدار ضریب تعیین(R^2 =۰/۵۳۷) در بین دانش آموزان حاکی از آن است که مدل قادر به‌پیش بینی حدود ۵۳ درصد تغییرات پیشرفت تحصیلی بر اساس رشد قضاوت اخلاقی آنان است. به‌منظور بررسی وضعیت هم چندخطی متغیرهای مستقل ، از مقادیر تولرانس و VIF استفاده‌شده است. با توجه به این‌که مقدار تولرانس ۰/۹۹۴ شده است که از عدد ۰/۱ خیلی بالاتر است و همچنین مقدار VIF که برابر ۱/۰۰۶ شده که با مقدار ۱۰ خیلی فاصله دارد، درنتیجه پیش‌فرض هم- چندخطی نبودن متغیرهای مستقل برآورده شده است. آماره دوربین واتسون برای سنجش عدم همبستگی درونی مشاهدات استفاده می‌شود. این مقدار بین صفرتا ۴ در نوسان است و هراندازه به مقدار دو نزدیک‌تر باشد بهتر است. در این آزمون مقدار آماره ۱/۹۲۵ است که به مقدار دو نزدیک است و حاکی از عدم همبستگی درونی مشاهدات است(جدول ۲).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

جدول ۲. آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه و خلاصه مدل رگرسیونی برازش شده

آماره	مقدار
ضریب همبستگی چندگانه	۰/۷۳۲
ضریب تعیین	۰/۵۳۶
ضریب تعیین تصحیح‌شده	۰/۵۳۲
تولرانس	۰/۹۹۴
VIF	۱/۰۰۶
دوربین- واتسون	۱/۹۲۵

پس از بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل رگرسیون، جهت بررسی قابلیت پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از روی رشد قضاوت اخلاقی و خودکنترلی از آزمون تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون با شیوه ورود همزمان را نشان می‌دهد که به‌منظور تعیین سهم متغیرهای قضاوت اخلاقی و خودکنترلی(متغیر پیش‌بین) بر واریانس پیشرفت تحصیلی(متغیر ملاک) انجام‌گرفته است. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود، ضریب تأثیر قضاوت اخلاقی(β=۰/۷۰۹) و خودکنترلی(β=۰/۱۳۶)می‌باشد. آماره‌های t نشان می‌دهد که این دو متغیر قادر هستند که با ۹۹ درصد اطمینان تغییرات مرتبط با پیشرفت تحصیلی را در افراد گروه نمونه با توجه به ضرایب ذکرشده پیش‌بینی نماین‌د(P<۰/۰۱).

جدول۳. خلاصه تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از روی قضاوت اخلاقی و خودکنترلی

متغیر	انحراف استاندارد	ضریب بتا	B	T	F	سطح معناداری
قضاوت اخلاقی	۰/۱۴	۰/۷۰۹	۹/۷۸۰	۱۶/۲۹۸	۱۴۲/۵۷۶	۰/۰۰۱
خودکنترلی	۰/۲۶	۰/۱۳۶	۱/۰۴۷	۳/۱۲۶		۰/۰۰۲

برای بررسی سؤال پژوهش حاضر با توجه به این‌که از آزمون t نمونه‌های مستقل استفاده شد. اطلاعات حاصل در جدول ۴ ارائه‌شده است. در ارتباط با خودکنترلی میانگین نمره‌های دانش آموزان پسر بیش از دختران بوده (df =۲۴۸ ، p =۰/۲۹۷ ، t =۰/۷۲۹) و تفاوت میان آن‌ها معنادار نیست. قضاوت اخلاقی نیز میانگین نمره‌های دختران بیشتر از پسران است(df =۲۴۸ ، p =۰/۰۰۱ ، t =-۵/۱۰۶) و تفاوت معناداری میان آن‌ها را نشان می‌دهد. در متغیر پیشرفت تحصیلی نیز، میانگین دختران بیش از پسران بوده و (df =۲۴۸، p =۰/۰۰۱، t =-۴/۳۷۳) و تفاوت معناداری بین دختران و پسران دیده می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

جدول ۴ . آزمون t برای مقایسه تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای موردپژوهش

متغیرها	گروه‌ها	میانگین‌ها	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	درجه آزادی	tمستقل	سطح معناداری
خودکنترلی	پسر	۲/۴۷	۰/۲۶۰	۰/۰۲۳	۲۴۸	۰/۷۲۹	۰/۲۹۷
	دختر	۲/۴۶۳	۰/۲۵۴	۰/۰۲۳			
قضاوت اخلاقی	پسر	۰/۶۴۱	۰/۱۴۳	۰/۰۱۳	۲۴۸	−۵/۱۰۶	۰/۰۰۱
	دختر	۰/۷۳۰	۰/۱۳۱	۰/۰۱۲			
پیشرفت تحصیلی	پسر	۱۷/۵۵	۱/۸۳	۰/۱۶۳	۲۴۸	−۴/۳۷۳	۰/۰۰۱
	دختر	۱۸/۶۰	۲	۰/۱۷۸			

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه مطرح شد این پژوهش قصد داشت رابطه رشد خودکنترلی و رشد قضاوت اخلاقی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم را بررسی کند. نتایج حاصل از این پژوهش در زیر آمده است:

یافته‌های حاصل از این پژوهش در مورد فرضیه اول نشان داد که بین خودکنترلی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های تاگنی و همکاران(۲۰۰۴)، که معتقدند دانشجویان با خودکنترلی بالا، سازگاری روان‌شناختی بهتر، روابط بین فردی مطلوب‌تر و همچنین عملکرد بهتری در تکالیف مرتبط با پیشرفت تحصیلی دارند، همسو می‌باشد. با توجه به پژوهش که کوکران و همکاران(۱۹۹۸) انجام دادند دانشجویانی که خودکنترلی پایین‌تری داشتند بیشتر مستعد کاهش پیشرفت تحصیلی و تقلب در امتحان بودند، درنتیجه نتایجی همسو با این پژوهش را نشان می‌دهد. با تعدیل و اصلاح مرکز کنترل سلامت روان و بهداشت روانی فرد در جامعه بهبود می‌یابد. لذا شناسایی و بررسی مرکز کنترل در توصیف چگونگی عملکرد افراد اهمیت بسزایی دارد، خصوصاً شناخت همبسته‌های آن مانند پیشرفت تحصیلی و انگیزش پیشرفت و... که می‌تواند به نحوه شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر آن در دانش آموزان کمک کند. نتایج این پژوهش با پژوهش بیابان‌گرد(۱۳۷۰) همسو می‌باشد. این پژوهش نشان داد که بین منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی ازنظر آماری همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش همچنین با نتایج پژوهش‌های ترخان(۱۳۷۰)، برومند نسب(۱۳۷۵)، خدیوی و وکیلی مفاخری(۱۳۹۰)، دارابی(۱۳۸۰)، شیخ فینی(۱۳۷۲)، پرید چاید و لاید(۱۹۷۶) و استیونس و دانیل(۱۹۷۶) نیز همسو می‌باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

همچنین در تحلیل نتایج این فرضیه که بین قضاوت اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد، این یافته با نتایج حاصل از پژوهش فرید، سعدی پور، کریمی و فلسفی نژاد(۱۳۸۹) که نشان دادند سلامت روانی و عملکرد تحصیلی با قضاوت اخلاقی رابطه دارد، همسو می‌باشد. این یافته با نتایج مطالعات جاداک، هاید، مورو کلر(۱۹۹۵)، کان(۱۹۹۲)، سلحشور(۱۳۸۲) و افشاری(۱۳۸۵) نیز مطابقت دارد. مطالعات مذکور اظهار داشتند که روند رشد استدلال اخلاقی افراد دارای اختلال سلوک کندتر از هنجار همسالانشان است. به همین دلیل آن‌ها مرتکب رفتارهای ضداجتماعی می‌شوند. زیرا تبعیت از اصول اخلاقی بدون درک آن‌ها امکان‌پذیر نیست و این توانایی شناخت درست از نادرست است که مفاهیم ضروری اخلاقی، مسئولیت‌پذیری قانونی و رفتار اخلاقی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. یکی از فرض‌های ولفرام(۲۰۰۵) این بود که اگر استدلال اخلاقی با استدلال منطقی رابطه داشته باشد پس بایستی عواملی که استدلال منطقی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، استدلال اخلاقی را نیز تحت تأثیر قرار بدهند. کار تجربی او بر روی نمونه ۲۲ نفری مرد و زن صورت گرفت و فرضیه‌اش مبنی بر این‌که بین استدلال و اخلاقی و شناختی رابطه وجود دارد، تأیید شد که با نتایج این پژوهش مطابقت دارد. سیمونز(۱۹۸۱) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین تیزهوشی کودک و استدلال اخلاقی و رفتارهای خیرخواهانه و ایثارگرانه، ۳۸ نفر از کودکان تیزهوش ۴ تا ۷ ساله را مورد ارزیابی قرارداد. هدف اصلی این پژوهش این بود که مشخص کند آیا کودکان تیزهوش درزمینه استدلال اخلاقی و رفتارهای خیرخواهانه و ایثارگرانه در سطح بالایی قرار دارند یا خیر؟ نشان داد که کودکان تیزهوش در تمام موارد ذکرشده تفاوت معنی‌داری با همسالان خود داشتند. نتایج پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش زیگلر(۱۹۹۰)، هریس و همکاران(۱۹۷۶) همسو می‌باشد.

در سؤال پژوهش حاضر تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای خودکنترلی و قضاوت اخلاقی بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که میان دانش آموزان دختر و پسر در متغیر خودکنترلی تفاوت معناداری وجود ندارد. مطالعات نیکوگفتار و اسحاقی(۱۳۹۱) نشان داد که بین دختر و پسر در رفتارهای خودمراقبتی تفاوت معناداری وجود ندارد که با نتیجه این پژوهش مطابقت می‌کند. در بررسی توان خودمراقبتی بیماران مبتلابه دیابت(وثوقی و همکاران، ۱۳۹۱)، توان خودمراقبتی بین زنان و مردان اختلاف معناداری نشان نداد، در پژوهش آرتینیان و همکاران(۲۰۰۲) در مورد توان مراقبتی بیماران مبتلابه نارسایی قلبی در آمریکا، ارتباط معناداری بین زنان و مردان مشاهده نشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

همچنین در مطالعه آکیول و همکاران(۲۰۰۷)ازنظر آماری اختلاف معناداری بین دو جنس ازنظر توان خودمراقبتی گزارش نشد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که رشد قضاوت اخلاقی در بین دختران و پسران تفاوت معناداری از خود نشان می‌دهد و میانگین این رشد اخلاقی در دختران بیش از پسران است. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های شجاع کاظمی و همکاران(۱۳۹۴) که معتقد بودند همبستگی بین دین‌داری والدین و رشد اخلاقی دانش آموزان ازنظر آماری تفاوت معناداری دارد، همسو است. صادقی و همکاران(۱۳۸۶) در پژوهش خود مطرح کردند که روش تربیت دینی والدین برای دختران و پسران متفاوت است. به نظر دیکی و همکاران به نقل از صادقی(۱۳۸۶) والدین در مورد دختران بیشتر از استدلال و عدم کاربرد خشونت و تنبیه بدنی استفاده می‌کنند و این تفاوت در نگرش منجر به تفاوت در رشد اخلاقی دختر و پسر می‌گردد. کاربایک(۱۹۹۸) نیز محافظه‌کار و حساس‌تری دختران را مطرح می‌کند و این را دلیلی برای تفاوت رشد اخلاقی دختران و پسران می‌داند. در پژوهش قضاوت اخلاقی کودکان پیش‌دبستانی پنج و شش‌ساله خاکپور و مهر آفرید(۱۳۹۱)، رابطه معناداری در قضاوت اخلاقی دختران و پسران گزارش کردند، آن‌ها نتیجه گرفتند که پسران در قضاوت اخلاقی جلوتر از دختران بودند. همچنین تفاوت‌های جنسیتی در قضاوت اخلاقی بر اساس نظربریگز(۱۹۹۰)و سمتانا(۱۹۸۵) که همسو با این پژوهش هست ممکن است ناشی از عوامل اجتماعی یا محیط فرهنگی باشد.

فرض بر این است که خودکنترلی آموختنی است پس چگونگی سازمان دادن کلاس و پاسخ به بدرفتاری توسط معلم به یادگیرندگان در جهت حرکت به‌سوی خودکنترلی کمک خواهد کرد. پیشنهاد می‌شود که تغییر ساختار کلاس به رویکردهای مشارکتی‌تر بردادن کنترل به دانش آموزان و کاهش رویدادهای نامناسب و بی‌احساسی تأثیر خواهد گذاشت. همچنین پیشنهاد می‌گردد برای یادگیری خودکنترلی در دانش آموزان، بایستی آن‌ها با یک فرد بزرگ‌سال که مسئولیت‌پذیر است سروکار داشته باشند(سرمشق دهی خودکنترلی).

بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌گردد برای رشد قضاوت اخلاقی کودکان، تشویق دانش آموزان بااخلاق و مسابقات مختلف در حیطه مسائل اخلاقی در آموزشگاه‌ها استفاده گردد و همچنین از تنبیه و نصیحت برای متحول کردن اصول اخلاقی استفاده نشود و مباحث معمایی به صورتی مطرح شوند که باورها و اندیشه‌های اخلاقی دانش آموزان به چالش کشیده شود تا ملزم به پذیرش دیدگاه‌های دیگران شده و زمینه برای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

افزایش سطح قضاوت اخلاقی آن‌ها فراهم گردد. تربیت آموزه‌های اخلاقی فقط در دروس هدیه‌های آسمان خلاصه نشود بلکه در دروس دیگر و فعالیت‌های فوق‌برنامه هم آموزش این اصول برنامه‌ریزی شود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از ابزار خود گزارش دهی(پرسشنامه) است که اجرای آن معمول در مقطع ابتدایی همراه با مشکلاتی است و ممکن است از دقت نتایج آن کاسته شود.

منابع

آزادمنش، سعید و حسینی، افضل السادات. (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی اهداف تربیت اخلاقی دوره ابتدایی در کشورهای ایران و ژاپن با نظر به ارزش‌های حاکم برنامه درسی. *فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۶(۲)، ۱۳۶-۱۱۹. (آزادمنش و حسینی، ۱۳۹۳).

افشاری، علی. (۱۳۸۵). نگاهی به نقش و تأثیر شکست تربیتی و شکست تحصیلی. نشریه پیوند، شماره: ۳۲۸، وزارت آموزش‌وپرورش، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان. (افشاری، ۱۳۸۵).

اسلاو ین، رابرت. (۲۰۰۶). *روانشناسی تربیت نظریه و کاربست*. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۵)،تهران: نشر روان. (اسلاوین، ۲۰۰۶).

الوانی، سید مهدی و دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۸۰). گفتارهایی در فلسفه تئوری‌های سازمان‌های دولتی. چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران. (الوانی و دانایی‌فرد، ۱۳۸۰).

اهیر، آنتونی. (۱۳۸۵). آموزش‌وپرورش اخلاقی. ترجمه شعبانی ورکی و شجاع رضوی، مشهد، دانشگاه فردوسی. (اهیر، ۱۳۸۵).

الیاس، جان. (۱۳۸۱). فلسفه تعلیم و تربیت(قدیم و معاصر). ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم، مؤسسه آ. پ امام خمینی. (الیاس، ۱۳۸۱).

بارو، رابین. (۱۳۶۱). درآمدی بر فلسفه اخلاق و آموزش‌وپرورش اخلاق. ترجمه فاطمه زیباکلام، تهران، حفیظ. (بارو، ۱۳۶۱).

برومند نسب، م. و همکاران. (۱۳۷۵). بررسی رابطه جایگاه مهار و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی شهر دزفول. فصل‌نامه علوم تربیتی و روان‌شناسی، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران، سال هفتم، شماره ۵. (برومند نسب و همکاران، ۱۳۷۵).

بیابان‌گرد، اسماعیل. (۱۳۷۰). بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی پسران سال سوم دبیرستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ص ۶۵-۶۰. (بیابان‌گرد، ۱۳۷۰).

پوپآلیس و همکاران. (۱۳۸۵). افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان. ترجمه‌ی پریسا تجلّی،چ سوم،رشد،تهران،۱۳۸۵ ش.(آلیس و همکاران، ۱۳۸۵).

ترخان، م. (۱۳۷۰). بررسی رابطه بین موضع نظارت، عزت‌نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تیزهوش و عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ص ۸۹-۸۱. (نرخان، ۱۳۷۰).

جان بزرگی،مسعود و نوری، ناهید. (۱۳۸۲). شیوه‌های درمانگری اضطراب و تنیدگی(استرس). اول،سمت،تهران. (جان بزرگی و نوری، ۱۳۸۲).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

جهانی، جعفر. (۱۳۸۶). بررسی تأثیرات آموزش فلسفه به کودکان در رشد منش‌های اخلاقی دانش آموزان. فصل‌نامه برنامه‌ریزی درسی، ۲(۷): ۵۹-۳۶. (جهانی، ۱۳۸۶).

حاتمی، زهرا. (۱۳۹۰). راهبردهای خودکنترلی رفتار. مجله مشاور مدرسه. ۶(۴). (حاتمی، ۱۳۹۰).

حسنی، محمد. (۱۳۹۱). مدرسه و تربیت اخلاقی. تهران، مدرسه. (حسنی، ۱۳۹۱).

خدیوی، اسد اله و وکیلی مفاخری، افسانه. (۱۳۹۰). رابطه بین انگیزش پیشرفت، منبع کنترل، خود پنداره و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال اول متوسطه نواحی پنج‌گانه تبریز. ۴(۱۳): ۶۶-۴۵. (خدیوی و وکیلی مفاخری، ۱۳۹۰).

دارابی، ج. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین منبع کنترل و انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم متوسطه شهر ساری. فصل‌نامه تعلیم و تربیت، ۳(۶۷). (دارابی، ۱۳۸۰).

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران، ۱۳۷۵،ج۱، ج۲، ص ۱۰۶۱.

رضایی، لیلا، مصطفایی، علی و خان جانی، زینب. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای تحول اخلاقی، نوع‌دوستی و خودکارآمدی اجتماعی در دانش آموزان تیزهوش و عادی دبیرستان‌های شهر ارومیه. آموزش و ارزشیابی، ۷(۲۵). (رضایی، مصطفایی و خان جانی، ۱۳۹۳).

سلحشور، ماندانا. (۱۳۸۲). الفبای بهداشت روانی. نشریه پیوند، شماره ۲۹۱: ۴۱-۴۰. (سلحشور، ۱۳۸۲).

سویچ، تام. (۱۹۹۱). انضباط برای خودکنترلی، راهبردهای نوین اداره کلاس درس(ویرایش اول). ترجمه حسین ماهور(۱۳۸۳). سبزوار: امید مهر. (ماهور، ۱۳۸۳).

شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۳). مراحل رشد و تحول انسان. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (شرفی، ۱۳۸۳).

شیخ فینی، ع. (۱۳۷۲). بررسی رابطه انگیزش پیشرفت، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر بندرعباس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران. (شیخ فینی، ۱۳۷۲).

صادق زاده، علی‌رضا و همکاران. (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. دبیرخانه شورای عالی آموزش‌وپرورش. (صادق زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

علی وردی نیا، اکبر، معمار، رحمت اله و نصرت زهی، سیمین. (۱۳۹۴).بررسی تجربی رابطه دین‌داری، خودکنترلی و رفتار انحرافی. فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۴(۱۶): ۴۳-۷. (وردی نیا، معمار و نصرت زهی، ۱۳۹۴).

غیاثی زاده، مهدی. (۱۳۹۰). رابطه سلامت روان و عملکرد تحصیلی با رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر. (غیاثی زاده، ۱۳۹۰).

فرید، ابوالفضل، سعدی پور، اسماعیل، کریمی، یوسف و فلسفی نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۹). اثربخشی روش‌های آموزش مستقیم، آموزش شناخت اخلاقی، شفاف‌سازی ارزش‌ها، و تلفیقی بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تبریز، ۵(۱۹)، (فرید، سعدی پور، کریمی و فلسفی نژاد، ۱۳۸۹).

قدیری، محمدحسین. (۱۳۸۹). خودکنترلی کودک خمیرمایه خویشتن‌داری اخلاقی(تقوا). مجله راه تربیت. شماره ۱۱. (قدیری، ۱۳۸۹).

کج باف، محمدباقر. (۱۳۸۲). رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی عملکرد تحصیلی دانش آموزان دبیرستان. فصل‌نامه علوم شناختی، ۵(۱)، (کج باف، ۱۳۸۲).

کدیور، پروین. (۱۳۷۶). *بررسی نقش استدلال‌های اخلاقی و نحوهٔ تعامل معلم در رشد اخلاقی دانش آموزان.* پژوهشکده تعلیم و تربیت پژوهشگاه مطالعات آموزش‌وپرورش. پژوهشکده تعلیم و تربیت پژوهشگاه مطالعات آموزش‌وپرورش. (کدیور، ۱۳۷۶).

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۱). اثرات پنهان تربیت آسیب‌زا. تهران: انجمن اولیا و مربیان. (کریمی، ۱۳۸۱).

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد: مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک با تأکید بر رویکردهای تحولی. تهران: انتشارات عابد. (کریمی، ۱۳۸۵).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

کنعانی، زاهد، ادیب سرشکی، نرگس، حق‌گو، حجت اله و رضا سلطانی، پوریا. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش خود نظارتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نارسا خوان. مجله سلامت جامعه،۸(۴). (کنعانی، ادیب سرشکی، حق‌گو و رضا سلطانی، ۱۳۹۳).

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۴). نقد نظریه‌های رشد اخلاقی پیاژه و کولبرگ و باندورا و ارائه الگویی نو برای پژوهش در رشد اخلاقی دانش آموزان ایران. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. ۴(۱۱). (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴).

لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد۲، جوانی و بزرگ‌سالی، تهران: سمت. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵).

متسون، جانی و اولندیک، توماس. (۱۹۸۸). بهبود بخشی مهارت‌های اجتماعی کودکان: ارزیابی و آموزش. ترجمه احمد به پژوه(۱۳۸۴). تهران: انتشارات اطلاعات.(متسون و اولتودیک، ۱۹۸۸).

محمدی ری‌شهری،محمد. (۱۳۸۶). حکمت نامه‌ی جوان. چ اول،دارالحدیث،قم،۱۳۸۶ ش. (ری‌شهری، ۱۳۸۶).

معنوی پور، داود. (۱۳۹۰). ساخت مقیاس سنجش رشد اخلاقی برای دانش آموزان. فصل‌نامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۷(۴). (معنوی پور، ۱۳۹۰).

مهرام، بهروز. (۱۳۷۶). گزارش پژوهش: هنجاریابی پرسشنامه روانی کالیفرنیا برای شهر مشهد. معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد.(مهرام، ۱۳۷۶).

میلانی فر، بهروز. (۱۳۸۲). بهداشت روانی(ویرایش سوم): تهران. نشر قومس. (میلانی فر، ۱۳۸۲).

نیکوگفتار، منصوره و اسحاقی، فائزه. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رفتارهای خودمراقبتی بیماران مبتلابه دیابت بر اساس سبک‌های دل‌بستگی و کانون کنترل سلامت: نقش تعدیل‌کننده جنس. مجله روانشناسی سلامت، شماره۴، (نیکوگفتار و اسحاقی، ۱۳۹۱).

وثوقی کرکزلو، ناهید، ابوطالب دریاسری، قاسم، فراهانی، بهناز، محمدنژاد، اسمعیل و سجادی، اعظم. (۱۳۹۱). بررسی تولن خودمراقبتی بیماران مبتلابه دیابت. مراقبت‌های نوین، فصلنامه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ۸(۴): ۲۰۴-۱۹۷. (وثوقی کرکزلو، ابوطالب دریاسری، فراهانی، محمدنژاد و سجادی، ۱۳۹۱).

Akyol AD, Cetinkaya Y, Bakan G, Yarah S, Akkus S. Self-care agency and factors related to this agency among patients with hypertension. J Clin Nursing. 2007; 16 (4): 679-87.

Artinian NT, Magnan M, Sloan M, Lange P, Michigan D. Self care behaviors among patients with heart failure. Heart & Lung: J Acute Critical Care. 2002; 31 (3):161-72.

Bandura, A. (1986). social foundations of thought and action. A social cognitive Theory. Prentice-Hall.

Butler T. Principles of health education and health promotion. 3rd ed. New York: Morton Publishing Company, 2000.

Chui. W. H & Choon. H & Chan. O. (2013)."Self-Control and the Fear of Death among Adolescents in Hong Kong", *Journal of Youth Studies*. Vol. 16: 70-85.

Damon. W,& Hart. D. (1988). Self-understanding in child hood and adolescence.New York:Cambridge University Press.

Damon, W., & Hart, D. (1992). Self-understanding and its role in social and moral development. In M. H. Bornstein & M. E. Lamb (Eds.), Developmental psychology: An advanced textbook (pp.421-464). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

Danil, J.P., and Stevens, J.p., (1976). The interaction between Internal-External locus of control and two Methods of collage instruction, American educational research Journal,Vol.13, No.2, pp.128-149.

Desmond, Scott A. & Ulmer, Jeffery T. & Bader, Christopher D. (2013)."Religion, Self Control, and Substance Use", Deviant Behavior, Vol. 34: 384- 604.

Doris,J., & Stich,S.(2005).As a Matter of fact :" Moral psychology: Empirical perspective on Ethics". In F . Jackson and M. Smith, Eds. The Oxford hnadbook of contemporary philosophy. Oxford: Oxford university press.

Gailliot, M. T. Schmeichel, B. J. and Baumeister, R. F. (2006). "Self-Regulatory Processes Defend against the Threat of Death: Effects of Self-Control Depletion and Trait Self-Control on Thoughts and Fears of Dying", Journal of Personality and Social Psychology,Vol. 91: 49-62.

Geyer, A. L. & Baumeister, R. F. (2005).Religion, Morality, and Self-Control: Values, Virtues, and Vices. InR. F. Paolourzian & C. L. Park (Eds.), Handbook of the Psychology of Religion and Spirituality, New York, NY: Guilford Press: 412-432.

Harris, S; Mussen, P. & Rutherfor, E. (1970). Some cognitive behavioral and personality correlates of maturity of moral judgment.The journal of Genetic Psychology, 128, 123-135.

Howell, R. Heward, L. Sw Reber, Arthur, S &Reber, Emaily.(2001).Dictionary of psychology. London: Penguin Books. Berk. L. E. (2003). Child development. 6th Edition. Boston: Allyn and Bacon.

Haron, H., Ismail, I., & Abdul Razak, S.H. (2011). Factors influencing unethical behavior of insurance agents. International Journal of Business and Social Science, 2, 84-100.

Joseph LM, Eveleigh EL. A review of the effects of self-monitoring on reading performance of students with disabilities. The Journal of Special Education 2011; 45(1): 43-53.

Lied, T.R., and Pritichard, R.D., (1976). Relationship between personality variables and component of the expectancy valance, Journal of applied psychology,Vol.84, No.1, pp.35-42.

Passini, S. (2010). Moral reasoning in a multicultural society:Moral inclusion and moral exclusion.Journal for the Theory of Social Behavior, 40,21-38.

Mason, L. H. Teaching Students Who Struggle With Learning to Think Before, While, and After Reading: Effects of Self-Regulated Strategy Development Instruction. Reading & Writing Quarterly2013; 29 (2):124–44.

Reisig, Michael D. & Wolfe, Scott E. & Pratt, Travis C. (2012). "Low Self-control and the Religiosity-Crime Relationship", CriminalJustice and Behavior, Vol. 39: 1172-1191.

Simons. (1981). Moral Development and Moral Education. In G.lesser (ed) Psychology and educational practice. San Francisco. Scott, Forman.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

Tangney, J. P., Baumeister, R. F. & Boone,A. L. (2004). "High Self-Control Predicts Good Adjustment, Less Pathology, Better Grades, and Interpersonal Success", Journal of Personality, Vol. 72:271-324.

Zighler(1990). Social Psychology second edition. New York:sons. Zimmermman, B. J. (2002). Provide of effective self- regulated learning. Reserch data bases.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

The Relationship between Self-Control and Moral Judgment on the Academic Achievement of Fifth Grade Students

Hosein Hojjat Panah[1], Kamran Shahvali, Zahra Amani[2], Siyavash Talepasand[3]

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between the development of moral judgment and self-control growth of student achievement of fifth grade elementary schools in Sabzevar city. The sample size is 250 students (124 boys and 126 girls) that were selected by multistage cluster sampling method. In this study, to collect data from two questionnaires: 1) moral judgment (MJT), 2) the willingness of children to self-control as well as students' first semester GPA was used. Independent t-test showed no significant difference in self-control between the male and female students, but a significant difference exists in terms of moral judgment between the male and female student.

Keywords: Moral judgment; Self-control; Achievement; Students

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOI: 10.52547/erj.5.36.74]

1 . Khorasan Razavi, education organization, corresponding author, hse_hojjatpanah@yahoo.com
2 . Khorasan Razavi, education organization.
3 . Semnan, Semnan University, faculty of education and psychology.